

## باسمه تعالی

خارج اصول. اشاره ای به مقدمات انسداد و پاسخ با سؤالات پنجگانه. جلسات ۳۸-۳۹ // ۲۰/۷/۱۴۰۱

با توجه به اینکه به اواخر بحث انسداد رسیدیم و بحث ما در خبر واحد به پایان می رسد بجاست اشاره ای به مباحث قبل داشته و به چند سؤال پاسخ دهیم.

قبلاً گفته شد که انفتاحیون کسانی هستند که به یکی از ادله مذکوره در بحث خبر واحد استناد نموده و خبر واحد را حجت می دانند. اما انسدادیون در همه ادله مذکوره اشکال کرده و حجیت خبر واحد را نه از باب ظن خاص (یعنی ظنی که دلیلی خاص بر حجیت باشد)، بلکه آن را در کنار مطلق ظنون دیگر از باب ظن مطلق حجت قرار می دهند.

### مقدمات انسداد

مقدمات انسداد این بود:

- ۱- علم اجمالی به ثبوت تکالیف فعلیه بر ما داریم
  - ۲- باب علم و علمی در بسیاری از این تکاتلبی منسد است
  - ۳- نمی توان رجوع به احتیاط تام کرد یا در همه مسائل به برائت روی آورد
- از آنجا که ترجیح مرجوح بر راجح قبیح است لذا تا وقتی می توانیم از راه ظنون استنباط کنیم نوبت به وهم و شک نمی رسد.
- انفتاحی در مقدمه دوم اشکال می کرد و می گفت اگر چه باب علم منسد است لیکن باب علمی منسد نیست. نظر مختار ما اضطرار بود که به طور مفصل روشن شد. بر این دیدگاه از راه تجمیع همه شواهد و قرائن، چه شواهد ظنیه یا شواهدی که کمتر ارزش دارد باید به اطمئنان شخصی برسیم
- تنبیهی داشتیم که در آن سؤالاتی مطرح شد:

- ۱- آیا بنا بر مسلک انفتاح و اضطرار و انسداد اگر ظنی که بر حجیتش دلیل خاص نبود (جز ظنون خاصه بحساب نمی آمد) آیا جابر ضعف سند یک روایت ضعیفه است یا خیر؟
- مثلاً آیا روایت مرسله را می توان بوسیله شهرت فتواییه (که ظنی است که لم یقم علی حجیته دلیل)، تقویت کرد و قائل به حجیت آن خبر ضعیفه شد؟
- باید انسدادی انفتاحی و اضطراری پاسخ دهند؟

- ۲- آیا روایتی که ضعیف الدلاله است بوسیله ظن مطلقى مانند شهرت جبران می شود یا خیر؟

اگر ما بودیم و دلالت روایت ضعیف بود، اما ببرکت فتوای مشهور آیا می توانیم این ضعف دلالت را جبران کنیم یا خیر؟

۳- اگر یک روایتی داشتیم که از نظر سند صحیح یا موثق بود، اما مثلاً مشهور فتوایی بر خلاف آن روایت صحیح السند دادند آیا این فتوای مشهور که ظنی است که دلیلی بر حجیت نداریم موهن آن سند صحیح هست یا خیر؟

۴- اگر یک روایتی داشتیم که دلالتش خوب بود اما مشهور فقها از آن روایت این دلالت را استفاده نکرده بودند آیا می توان به ببرکت آن شهرت که دلیلی بر حجیت نداریم ان دلالت را موهوم و سست کرد یا خیر؟

### سؤال اول:

مشهور اصولیین ما که اکثراً انفتاحی هستند قائل به انجبار ضعف سند به عمل مشهور هستند لیکن مرحوم محقق خویی این مطلب را قبول ندارد و عمل مشهور را که ظنی از ظنون است نتوانست جابر ضعف سند بگیرد.

### در مورد سؤال سوم

باز مشهور را اگر بیان کنیم این است که خبر صحیح السند و خبر موثق بوسیله اعراض مشهور، موهون می شود بلکه گفتند هر خبری که صحیح باشد با اعراض مشهور موهون می شود. لیکن محقق خویی ره در اینجا معتقد است: اگر علمای ما بر دو قول اختلاف دارند و مشهور به سمتی که مخالف خبر صحیح یا موثق است برود دلیلی بر رفع ید از خبر وجود ندارد:

و أما إذا اختلف العلماء على قولين و ذهب المشهور منهم إلى ما يخالف الخبر الصحيح أو الموثق و أعرضوا عنه، و اختار غير المشهور منهم ما هو مطابق للخبر المذكور **فلا دليل لرفع اليد** عن الخبر الذي يكون حجة في نفسه لمجرد إعراض المشهور عنه. مصباح الأصول ( طبع مؤسسة إحياء آثار السيد الخوئي ) ؛ ج ۱ ؛ ص ۲۳۷

صرف این که مشهور فقها خلاف این دلیل صحیح فتوا دادند این، دلیل حجت را تبدیل به لا حجت نمی کند و نمی توانیم صرفاً به دلیل مخالفت مشهور فقها دست از حجت خود برداریم.

نعم إذا تسالم جميع الفقهاء على حكم مخالف للخبر الصحيح أو الموثق في نفسه **يحصل لنا العلم أو الاطمئنان** بانّ هذا الخبر لم يصدر من المعصوم عليه السلام أو صدر عن تقيّة فيسقط الخبر المذكور عن الحجية لا محالة، و لكنه خارج عن محل الكلام<sup>۱</sup> عمدة الأصول ؛ ج ۵ ؛ ص ۳۰۶

<sup>۱</sup> خرازی، محسن، عمدة الأصول - قم، چاپ: اول، ۱۴۲۲ ق.

فرق است بین اینکه مشهور فقها از یک روایت صحیح یا موثق اعراض کنند. اعراض مشهور کاسر نیست.

اما اگر همه فقهای ما تسالم داشتند و فتوا بر ضد مضمون یک روایت صحیح یا موثق دادند و همگان از آن اعراض کردند علم یا حداقل اطمینان حاصل می شود یا ان خبر اساساً از ساحت مقدس معصوم صادر نشده یا اگر صادر شده از تقیه بود.

### پاسخ سؤال دوم:

پاسخ معروف و مشهور با پاسخ مرحوم خویی یکی است: مشهور معتقد است جبر ضعف دلالت با عمل مشهور ممکن نیست و سید خویی هم همین را معتقد است.

### در مورد سؤال چهارم

در صورت اعراض مشهور، آیا اعراض موهن دلالت هست یا خیر؟ در اینجا هم باز بین مشهور اصولیین و محقق خویی اختلافی نیست همه می گویند دلالت روایت با اعراض مشهور موهون نمی شود.

هم مشهور و هم خویی در مورد جابر بودن و یا جابر نبودن موهن بودن یا موهن نبودن دلالت متفقند. هم مشهور هم مرحوم خویی معتقدند اولاً ضعف دلالت با عمل مشهور منجر نمی شود و ثانیاً قائلند که دلالت با اعراض مشهور موهون و سست نمی شود.

اما اینکه با عمل مشهور یک دلیل دال بر یک مطلب دلالت ضعیف نمی شود

أما عدم الانجبار بعمل المشهور فلاختصاص دليل الحجية بالظهور، فلو لم يكن اللفظ بنفسه ظاهراً في معنى و لكن المشهور حملوه عليه لا يكون حملهم موجباً **لانعقاد الظهور** في اللفظ، فلا يشمل دليل حجية الظواهر. مصباح الأصول ( طبع موسسه إحياء آثار السيد الخوئي ) ؛ ج ١ ؛ ص ٢٨١

مگر، نه این است که روایت دلالتش آشکار است! مگر نه این است که الفاظ ظهور در معنا دارند!

مگر نه این است که ظهور حجت است! وقتی لفظی در معنا بود و ظهور حجت داشت حال چرا شما وقتی مشهور معنای دیگری گفتند دست از آن ظهور بر می دارید ؟

مگر معنای مشهور ظهور درست می کند؟ این معنا کردن اجتهادی برای خود آنها هست و اجتهاد آنها برای خود آنها حجت است و اجتهاد آنها معنا برای ما ساز نیست.

لذا عمل مشهور نمی تواند جابر ضعف دلالت و موهن دلالت باشد.

و أمّا عدم الانكسار فلعدم اختصاص دليل حجّية الظواهر بما إذا لم يكن الظن بخلافها، أو بما إذا لم يحملها المشهور على خلافها، فلو كان اللفظ بنفسه ظاهراً في معنى، و حمله المشهور على خلافه لم يكن ذلك مانعاً عن انعقاد الظهور، فلا يسقط عن الحجّية، فما ذكره في الدلالة من أنّ عمل المشهور لا يوجب الانجبار و لا إعراضهم يوجب الانكسار متين. فإيا لیتهم عطفوا السند على الدلالة و قالوا فيه بما قالوا فيها من عدم الانجبار و الانكسار. مصباح الأصول ( طبع مؤسسة إحياء آثار السيد الخوئي ) ؛ ج ١ ؛ ص ٢٨١

اینکه ظهور حجت دارد از درون لفظ است چه ربطی به فهم دیگران دارد و این که اجتهادشان چیست؟

اما این که ضعف دلالت با عمل مشهور جبران نمی شود زیرا ما پیرو ظهور هستیم و عمل مشهور نه ظهور ساز است نه ظهور ساخته شده را خراب می کند.

این پاسخ پرسش های قبل بود که از طرف مشهور و محقق خویی بیان گشت.

انسدادیها درست است که شهرت را از ظنون می دانند لیکن ظن حاصل شده از شهرت را چه بسا در قبال ظن حاصل شده از خبر واحد، ضعیف تر بدانند.

### استدراک محقق خویی ره

قبل از آنکه پاسخ اضطراری را بیان کنیم می گوئیم:

محقق خویی ره استدراکی دارد و آن استدراک این است که اگر دیدیم یک عده فقهای که آشنا به زبان عرب هستند، اهل لسان عربی هستند اهل عرف زبان هستند این افراد لفظی را بر یک معنایی حمل می کنند که آن معنا از نظر ما قابل قبول برای آن لفظ نیست.

ما نمی توانیم آن لفظ را بر آن معنا حمل کنیم. ما این لفظ را ظاهر در معنا نمی دانیم لیکن کسانی که با زبان عرب آشنا هستند این استفاده را نمودند.

اینجا کشف می کنیم که این لفظ ظهور در این معنا دارد و علما صاحب لسان این معنا را از درون لفظ بیرون آوردند و من اشتباه کردم.

انها که اهل عرفند و اهل زبانند. البته این حرفی که می زنیم مختص آن جایی است که احراز کنیم که اینها لفظی را بر معنایی حمل کردند و این معنا را از حاقّ لفظ بیرون کشیدند نه از قرائن خارجی و اجتهاد و استنباط خود.

و كذا الحال في طرف الإعراض، فإن كان اللفظ ظاهراً في معنى في نظرنا، و حملها جماعة من العلماء على خلافه، و احرز أنّ حملهم مستند إلى حاق اللفظ لا إلى ظنونهم و اجتهاداتهم، يستكشف بذلك أنّ اللفظ ليس

ظاهراً فی المعنی الذی فهمناه، بل هو خلاف الظاهر، فانّ خلاف الظاهر هو ما يفهم العرف خلافه من اللفظ. مصباح الأصول ( طبع مؤسسه إحياء آثار السيد الخوئی ) ؛ ج ۱ ؛ ص ۲۸۲

یعنی من قبول دارم اگر من با زبان اشنا نیستم و جز عرف عرب نیستم و از لفظی معنایی را فهمیدم ولی علمای عرب زبان معنای دیگری را فهمیدند و از خود لفظ فهمیدند نه قرائن خارجیه، اینجا می فهمیم که من اشتباه کردم معنا آن است که عرف عرب زبان درک کند.

## پرسشی دیگر

یک پرسش دیگری هم داریم:

۵- اگر دو دلیل متعارض داشتیم می توانیم بوسیله شهرت فتوایی (که ظنی است که دلیل بر حجیت نداریم) خبر الف را بر خبر ب ترجیح دهیم یا خیر؟ این در بحث تعادل و ترجیح مطرح می شود. لیکن خویی معتقد است ظنی که دلیل بر حجیت نداریم نمی توانیم مرجح باشد و مرجح قابل قبول فقط موافقت با کتاب است و مخالفت با عامه. بقیه مرجحات قابل قبول نیست. در حالیکه بسیاری از فقها عمل مشهور را مرجح می دانند.

## پاسخ بر مبنای اضطرار

### سؤال اول

این می شود که عمل مشهور جابر ضعف هست یا خیر؟

چون ما همه قرائن را باید جدا جدا در عملیات تجمیع قرائن و شواهد محاسبه کنیم و تمام شواهد ولو با نمره کم کنار یکدیگر قرار بگیرند چه بسا اگر روایتی ضعیف السند بود به آن اضافه شد

عمل مشهور بتواند نمره بالاتر را احراز کند نمی گوییم سند درست می شود می گوییم اضافه شدن این دو به هم نمره را بالاتر می برد.

### سؤال دوم:

اگر یک روایتی ضعیف الدلاله بود دلالتش با مشهور جبران می شود یا خیر؟

بر طبق مسلک ما نگوییم جبران، یک دلالتی داریم بر یک روایتی که ضعیف است لیکن نمره دارد از یک طرف فتوای مشهور را داریم ضمیمه این دو نمره بالاتری به روایت خواهد داد.

### سؤال سوم:

روایت صحیح السند با اعراض مشهور ضعیف می شود یا خیر؟

پاسخ: وقتی یک روایت صحیحه داشتیم نمره ای به آن دادیم ولی از آن طرف مشهور بر خلافش این روایت را نپذیرفته بودند طبیعتاً نمره آن صحیحه در عملیات تجمیع قرائن و شواهد کم می شود

#### چهارم:

اگر روایتی داشتیم که دلالتش خوب بود اما مشهور آن را قبول ندارند چه باید گفت؟

می گوییم نمره دلالت کم می شود . هر چه تعداد عمل کنندگان به یک روایت بیشتر شود جبران قوی تر می شود هر چه تعداد اعراض کنندگان از یک روایت بیشتر شود باز نمره خیلی کمتر خواهد شد.

#### سؤال پنجم:

اگر ظنی که دلیلی بر حجیت نداریم مانند شهرت، مرجح می شود یا خیر؟

جواب: در بحث تعادل تراجیح و تعادل پاسخ خواهد آمد. باید نمرات دو متعارض با هم بسنجید.

اگر دو روایت متعارض بود یکی مورد عمل مشهور بود ارزش بیشتری دارد.

حسین مقدس

جلسات ۳۸-۳۹

۱۴۰۱/۷/۲۰

